زمان زرتشت -۳-

بقلم آقای پور داود

گئورگیوس Georgios که نیز خبرش مستند بمندرجات آلکساندر پولی هیستور میباشد مینویسد : مؤسس این خاندان ماد که ببابل دست یافته در آنجا پادشاهی کردند زردشت بوده است ۱ مقصود ازذکراین‌خلاصه‌همان اسم زرتشت‌است که بنا بخبر مذکور سرسلسلهٔ پادهاشان مادبوده‌دربابل . این خبرمطابق وقایع‌تاریخی است باینمعنی که در حدود دو هزار و سیصد سال (۲۳۰۰) سال پیش از مسیح عیلامها از کوههای ماد و عیلام یا شوش وخوزستان حالیه گذشته مملکت بابل رادر تصرف خویش درآوردند و مدتها در آن سر زمین فرمانفرما بودند ۲ نقوش و خطوطی که از آشوربانیپال Asurbanipal (۶۶۸ - ۶۲۶ پیش از مسیح) پادشاه آشور مانده ابداً شکی نمیگذارد که خبر بروسوس بیان واقعه تاریخی است ازاینکه پادشاه‌عیلامی(خوزستانی) کودورناخوندی Kudur-Nakhundi (یا کودورنانخوندی) در حدود دو هزار و سیصد (۲۳۰۰) سال پیش از مسیح بابل را فتح کرده و در جزو غنائم‌مجسمهٔ الاهه نتا Nana رااز‌شهر معروف اور وك Uruk که امروزه‌خرابه‌اش ورکه Varka نامیده میشود از معبدالانه E-ana بر گرفته بشوش‌برده است ۳. آشور-بانیپال در کتیبهٔ خود گوید مجسمهٔ نتا را که در هزار وششصد سی وپنج (۱۶۳۵) سال پیش از این بغارت رفته بود من از شوش بر گردانیده‌به‌اروك آوردم.

چنانك در تاریخ پیداست آشوربانیپال در سال ششصدوچهل وپنج (۶۴۵) پیش ازمسیح بطرف شوش‌لشکر کشید وپادشاه شوش‌تهاومان Te-umman راشکست داده کشت و سراسر مملکت راغارت و ویران کرد وسلطنت دیرین آن سرزمین‌قدیم انجام گرفت. سال‌هزار و ششصدوسی وپنج (۱۶۳۵) پیش‌از شکست‌یافتن‌مملکت شوش بدست پادشاه آشور مطابق میافتدبسال‌دو هزارودویست وهشتاد (۲۲۸۰)

---

۱ - Georgios Synkellos, Chronikon ed. Dindorf I. 147f.

۲ - ازبرای مطابق نمودن مندرجات بروسوس Berosos بادوار تاریخی بابل رجوع شود به Chronologische Untersuchungen von Marquart in philologus Supplement VII (1899) S. 637-720.

۳- نتا Nana الاهه‌توالد وتناسل‌را دورهٔ زندگی ومرگ میبودمانند طبیعت گاهی بهار پرازجان و زندگی داشت و گاهی‌چون‌زمستان بامرگ و نیستی‌هم آغوش بوذ تموزپروردگار بهار یار و ویاشوهرش دانسته‌شده همان‌است که‌درجزو ماههای‌سریانی میشماریم: عمربرف است و آفتاب تموز اندکی‌ماندہ خواجه غره‌هنوز. رجوع‌شودبه Geschichte de rReligion im Altertum; von Tiele, Deutsche Ausgabe von Gehrich; Gotha 1896 S. 159 und 170 171; Geschichte des Alten Orient von E. G. Klauber in der Welt Geschichte, hg. von Hartmann B. I. Gotha 1919 S. 43

پیش از مسیح بنا بر این زرتشت که نقل از بروسوس مؤسس سلطنت خاندان ماد (عیلام) بوده در بابل بیست وسه قرن پیش از مسیح میزیسته است اسامی پنج تن از این خاندان که بگفتهٔ بروسوس مجموعاً هشت پادشاه بوده‌اند بتوسط خطوط میخی و توراة بما رسیده است ۱.

از اینکه بروسوس یا ناقلین روایات او که زرتشت را پادشاهی دانسته مؤسس خاندان عیلام در بابل چنانك کتزیاس Ktesias اورا پادشاه بلخ دانسته نباید مایهٔ تعجب ماشود زیرا در سرچنین واقعهٔ مهمی یعنی فتح بابل بدست عیلامیها یا بعقیدهٔ خود بروسوس مادها بنامورترین مرد مملکت ماد که زرتشت باشد متوجه شده‌اند لابد جز از زرتشت درچنین عهد کهن مردی مشهورتر در ماد سراغ نداشته‌اند. ازاینکه بروسوس فاتحین بابل را ازماد دانسته نه از عیلام برای این است که پس از شکست شوش بدست آشوربانیپال و از دست رفتن استقلال دیرین آن سرزمین و بلافاصله باسم انشان Ansan در تصرف اجداد کورش هخامنشی در آمدن و در جزو ممالك قلمرو پادشاهان ماد بشمار رفتن آن خاك امتیاز از میان رفته بوده وسراسر ایران زمین قدیم ماد نامیده میشده است چنانك پس از سپری شدن سلطنت ماد و بسرکار آمدن هخامنشیان از فارس سراسر کشور ایران زمین بدون امتیاز پارس خوانده میشده است اسمی که هنوز درالسنهٔ اروپائی بایران داده میشود.

چنانکه ملاحظه میشود درخبری که ازمأخذ بروسوس Borosos میباشد زرتشت پادشاه ماد دانسته شده همانطوری که کتزیاس اورا پادشاه بلخ خوانده است، بی‌شك درهر دو خبر همان زرتشت پیغمبر ایران مقصود است که بواسطهٔ قدمت زمان درهر عهدی نزد نویسندگان بشکلی جلوه کرده است. گذشته از اینکه خبر مذکور مارا بزمانی قدیمتر اززمان سنتی پیغمبر منتقل میسازد نیز به ماد بودن پیغمبر دلالت میکند. درسنت مشهور هم که متکی بدلایل تاریخی ولغوی نیز میباشد زرتشت از مادیعنی ازمغرب ایران بوده وبخصوصه آذربایجان وطن اصلی وی دانسته شده ولی دینش در مشرق ایران زمین بخصوصه از بلخ پروبال یافته بنقاط دیگر رسید.

فیثاغورس
Pythagoras

در میان نویسندگان قدیم برخی زرتشت را معاصر فیثاغورس دانسته‌اند و باین ترتیب زمان پیغمبر بسیار متأخر تر از عهد هائی است که نویسندگان پیش از مسیح از برای پیغمبر قائل شده‌اند. در زمان تولد و وفات فیثاغورس اختلاف کرده اند ظاهراً تولد او در سال ۵۸۳ پیش از مسیح در جزیرهٔ ساموس Samos بوده است ودریا یان همین قرن در گذشته است.

---

۱ - Geschichte der Orientalische Völker Im Altertum von Justi; Berlin S. 327 – 328

وباز همین مؤلف Geschichte Irans im Grundriss der Iranischen Philologie B. II S. 402.

و به Die Sprache der Kossäer von Friedrich Delitzsch; Leipzig 1884 S. 5 und 68

و به Aufsatze zur Persischen Geschichte von Nöldeke; Leipzig 1887 S. 1

دورهٔ فعالیت او بعهد کورش سر سلسلهٔ هخامنشیان (۵۵۹ - ۵۳۰ پیش از مسیح) و پسر و جانشین وی کمبوجیا (۵۲۹ - ۵۲۲) میافتد. درقرون بعد اعجاز و کراماتی از برای این فیلسوف و ریاضی دان که از بزرگان دانایان یونان است درست کرده اند. سیرت و زندگانی وی آمیخته بیك مشت داستانهاست در خصوص اوچنانك از برای بسیاری از مردان بزرگ عهد کهن حکایات و روایات شگفت آمیز در دست است عموماً نوشته اند که او در میان مغان تعلیم یافته است. برخی نوشته اند که اودر هنگام لشکر کشی کمبوجیا بمصر در بهار ۵۲۵ سال پیش ازمسیح درمصر بوده ودر آنجا اسیر شده با سپاهیان ایران ببابل آمد و مدت دوازده سال در میان کلدانیان و مغها بسر برده و وقتی که به ساموس Samos برگشت پنجاه و شش ساله بوده است ۱. سفر مصر فیثاغورس یقینی است و از خبر هرودت و ایسکراتس Isokrates (۴۳۶ - ۳۳۸ پیش از مسیح) نیز بثبوت پیوسته است. سفر ایران او تحقیقاً معلوم نیست اما چندان هم دور نمینماید که فیثاغورس کسی که بخصوصه تشنهٔ علم و معرفت بوده و در مسائل دینی بسیار کنجکاو ببابل مرکز علوم شرقی آن عهد رفته باشد وبامغان آشنا گشته بدستیاری آنان ازآئین ایران آگاه شده باشد. نظر باینکه تعلیمات فلسفی فیثاغورس در بسیاری از موارد مطابق تعلیمات دین زرتشتی است میتوان گفت که این فیلسوف خواه بواسطه کتب ، خواه بواسطه مغان بآئین ایران آشنا بوده است. گذشته از فیثاغورس بسا حکماء دیگر یونان نیز بشاگردی مغان منسوب شده اند. پلینیوس- Plinius بزرگ دانشمند رومی قرن اول میلادی که ذکرش گذشت مینویسد : فیثاغورس و دمکریتوس Demokritus و امپدکلس Empedocles و افلاطون از برای آموختن آئین مغ سفر دور کردند ۲ . دمکریتوس فیلسوف معروف یونانی است که در میان سنوات ۴۶۰-۴۷۰ پیش از مسیح تولدیافت. همچنین امپدکلس فیلسوف و طبیب یونانی است که تولدش در آغاز قرن پنجم پیش از میلاداست. چنانکه ملاحظه میشود دین زرتشتی بواسطهٔ شهرتی که در قدیم داشته و بواسطهٔ رواج داشتن این فلسفه در میان حکماء یونان گروهی از دانایان آن مملکت بدانستن تعلیمات مزدیسنی مفتخر شده اند. سیسرو Cicero خطیب معروف رومی که در ۳ ژانویه ۱۰۶ تولد یافت و در ۷ دسامبر ۴۳ پیش از میلاد درگذشت بمسافرت مصر فیثاغورس و از آشنائی وی بامغان ایران ذکری کرده است ۳. والریوس ماکسیموس Valerius Maximus

۱- Theologoumena Arithmetika, p. 40 ed. Ast; Jamblichus, Vita Pythagoroe 19.

ژامبلیخوس فیلسوف، شاگرد پرفیریوس Porphyrius که ذکرش بیاید بوده، درسال ۳۳۳ میلادی درگذشت. کتابی داشته مشتمل برده جزو پنج جزو از آن باقیمانده است جزو اول درشرح زندگانی فیثاغورس میباشد .

و رجوع شود به Zoroastrische Studien von Windischmann, herausgegeben von Spiegel, Perlin 1863, S. 260.

۲- Plinius, Natualis Historia XXX, 12

۳- Cicero (Marcus Tullius), Definibus bonorum et maloram V. 29.

که در قرن اول میلادی میزیسته مینویسد: فیثاغورس بایران رفت و بتعلیمات مغان پرداخت. از آنان گردش اختران و سیر ستارگان و نیروی وخصایص طبیعی آنها آموخت ۱ نظر باینکه ارتباط فیثاغورس با مغان از قدیم شهرتی داشته نویسندگان بعدازبرای‌مزیدافتخارات اوبهتردانسته‌اند که‌اورامستقیماً شاگرد خود زرتشت که مؤسس آئین مغ است بدانند باین ملاحظه نزدگروهی زرتشت استاد فیثاغورس دانسته شده است از آنجمله پلوتارخس Plutarchos (۴۶ - ۱۲۵ میلادی) ۲ و اپولئیوس Apuleius (در ۱۲۵ میلادی تولد یافته) ۳ و کلمنس الکساندرینوس Clemens Alexandrinus (درمیان سنوات ۲۱۱ - ۲۱۸ میلادی در گذشت) ۴ و هیپولیتوس Hippolytos (اسقف رومی در قرن سوم میلادی) ۵ و پرفیریوس Porphyrios (در میان سنوات ۲۳۳ - ۳۰۴ میلادی میزیسته) ۶ و کیریلوس - Kyrillos (در حدود ۳۷۶ - ۴۴۴ میلادی میزیسته) ۷ و در توضیح و حاشیهٔ که به «ریوبلیك» کتاب افلاطون نوشته شده است ۸ و سوئیداس Suidas (در نیمهٔ دوم قرن دهم میلادی بسر میبرده) ۹ درمیان‌این نویسندگان اپولیوس Apuleius با تردید نوشته: «هستند کسانی که میگویند فیثاغورس از مغان و بخصوصه از خود زرتشت تعلیم یافت» پرفیریوس Porphyrios فیلسوف قرن سوم میلادی که درسوریه تولد یافته و در روم در گذشت‌در کتابش «تاریخ‌فلسفه» در شرح‌زندگانی‌فیثاغورس مینویسد: «فیثاغورس پیش از همه‌چیز براست بودن توصیه نمود از اینکه فقط آدمی بواسطهٔ راستی ممکن است مانند خداوند گردد زیرا چنانکه او ازمغها آموخته، خداوند را که آنان هرمزد (Oromazes) مینامند پیکری‌است‌بسان فروغ و روانی است چون راستی» باز پرفیریوس مینویسد: «فیثاغورس با کلدانیان در آمیزش

---

۱ - مورخ رومی والریوس ماکسیموس معاصر قیصر تیبریوس Tiberius (۱۴-۳۷ میلادی) بوده: Valerius Maximus, Exem. Memor. VII, 6, 2 رجوع شودبه Franklin's article in the Dastur Hoshang Memorial Volume, Bombay 1918 p. 524.

۲ - Plutarches, De Animae Procreat in Timaeo 44. 2

۳ - Apuleius, Flolide II. 15

۴ - Clemens Alexandrinus, Stromata I, 15, 69. 6 f

۵ - Hippolytos, Refut. I, 2. VI, 23

۶ - Porphyrios, Vita Pythagorae 12.

۷ - Kyrillos Alexandrinus, Contra Julian III, 87. IV, 133.

۸ - Scholiast zu Platons Republib 600 B.

۹ - Suidas. S. V. Pythagoras.

ورجوع‌شودبه Die Griechischen und Lateinischen Nachrichten über die persischen Religion von Carl Cromen; Giessen 1920 S. 20 24.

بود همچنان او نزد زرتشت رفت از پرتو او از گناهان زندگی پیش خویش پاك گشت و از او بیاموخت که چگونه باید پیروان خودرا بی آلایش نگاهدارند و نیز تعالیم راجع بطبیعت و مسبب ازلی موجودات را او از آنجا شنید » ۱ در میان این نویسندگان گفتیم که هیپولیتوس Hippolytos نیز زرتشت را استاد فیثاغورس دانسته است.

این اسقف رومی میگوید که مأخذش دیودروس Diodorus از شهر ارتریا Ereteria ۲ واریستکسنوس Aristoxenus میباشند. باین خبر نمیتوان اعتماد نمود زیرا اریستکسنوس که درحدود سال ۳۱۸ پیش ازمیلاد میزیسته شاگرد ارسطاطالیس بوده است. در خبر راجع بزمان زرتشت از مأخذ افلاطون و شاگردان وی و در جزو آنان ارسطاطالیس گفتیم که آنان زمان زردشت را شش هزار سال پیش از وفات افلاطون نوشته اند بنابراین بسیار غریب بنظر میرسد که اریستکسنوس شاگرد ارسطاطالیس زرتشت را معاصر فیثاغورس نوشته باشد. احتمال دارد که او نظر بشباهتی که میان آئین زردشتی و فلسفهٔ فیثاغورس موجود است گفته باشد که فیثاغورس از آئین مع اطلاع داشته و باین وسیله یك ارتباط معنوی میان آنان قائل شده باشد نه یك آشنائی شخصی و دیگر اینکه معلوم نیست هیپولیتوس خبرش رامستقیم از اریستکسنوس گرفته یا از دیودروس نقل کرده است ۳.

از مجموع اخباری که راجع بفیثاغورس ذکر شده و او را شاگردزرتشت دانسته اند بخوبی پیداست که خواسته‌اند باین وسیله بشؤنات این فیلسوف بیفزایند. در انجام یادآور میشویم: بدون اینکه این نویسندگان نظری بزمان زرتشت داشته باشند در معاصر دانستن اورا با فیثاغورس فیلسوف قرن ششم پیش‌از مسیح بعهدی که در سنت از برای پیغمبر ایران قائل شده اند نزدیك گردیده اند.

درمیان نویسندگان قدیم مندرجات مورخ رومی‌ولی اصولا یونانی‌امیانوس راجع بزمان زردشت قابل توجه است.

امیانوس مارسلینوس
Ammianus Marcellinus

این نویسنده که در سال ۳۳۰ میلادی تولد یافت و در سال ۳۹۰ نیز در حیات بوده در هنگام لشکرکشی قیصر ژولیان Zulian در سال ۳۶۳ میلادی بضد شاپور دوم جزو سپاهیان روم بوده است خود وقایع آن جنگ را که بشکست روم انجام گرفت و قیصر

۱ - Porphyrios, Vitha Pythagorae 12 ; 14.

در اینجا یادآور میشویم دستوری که پرفیریوس راجع بآئین‌مغ یا مزدیسنی از فیثاغورس نقل میکند درست مطابق تعلیم دین زرتشتی است سراسر اوستا و همه کتب پهلوی پراست از فضایل‌راستی. نویسندگان قدیم یونان نیز مکرراًراستگوئی ایرانیان را ستوده اند. رجوع شود بخرمشاه تألیف نگارنده ص ۶۱-۷۳ راجع‌بپیکر وروان اهورا مزدا بفقرات ۸۰-۷۱ فرور دین‌یشت ملاحظه شود.

۲ - دیودروس Diodorus از شهر Ereteria مثل دیودروس سیکولوس Siculus معاصر قیصر روم اوستوس Augustus که در۶۳ پیش ازمسیح‌تولد یافت ودرسال ۱۴ میلادی در گذشت بوده.

۳-رجوع‌شودبه Griechi. u. Lateini. Nachrichten über die Persisch. Religion von Clemen S. 20—21

ژولیان در بیست و ششم (۲٦) ژوئیهٔ سال مذکور از یك تیر کارساز از پای در افتاده جان سپرد بچشم خوددیده است ۱. کتاب او در تاریخ روم که از وقایع سال نود و شش (۹٦) میلادی شروع شده و در ذکر وقایع سال سیصد وهفتاد و هشت (۳۷۸) انجام یافته ضمناً یکی از اسناد معتبر تاریخ ماست درعهد ساسانیان. از این کتاب که مشتمل بر سی و یك جزو بوده سیزده جزو اولی از دست رفته مابقی موجود است .

امیانوس در کتاب مذکور در جزو بیست و سوم در باب ششم مفصلا از مغهای ایران سخن رانده آنان را از خاندان مخصوصی دانشته که از پشت به‌پشت از زمان خود زرتشت مؤسس دین بخدمت پیشوائی گماشته هستند. نخست جمعیت آنان کم بوده بتدریج زیاد شدند از حیث آداب و رسوم از طبقات دیگر مردم امتیاز دارند و بخصوصهٔ محترم وبزرگ شمرده میشوند در آغاز این مبحث‌امیانوس مینویسد : افلاطون گفته که این آئین مغ دارای افکار بلندی و بی آلایش ترین طرز ستایش پروردگار است. پس از آن امیانوس خود گوید آئین مغ دانشی‌است که زرتشت بلخی در زمان کهن از روی تعلیمات سری کلدانیان بسط و توسعه داد ، چنانکه برویهٔ او پادشاه دانا گشتاسب پدر داریوش بعقیدهٔ امیانوس پیغمبر ایران نیز در سرزمین نا معلومی از ممالك هند درآمد. درآنجا در جنگل ساکت‌وآرامی که‌خرد برهمن حکمفرما بوداز جنبش زمین و گردش ستارگان تعلیم یافت . . . ۱ از این خبر پیداست که امیانوس شنیده بوده که زردشت در عهد پادشاه بلخ گشتاسب میزیسته ولی چون در تاریخ ایران جز از پدر داریوش بزرگ هخامنشی گشتاسب دیگری نمیشناخته ناگزیر در خبر خود مبهم مانده پدر داریوش را بزرتشت مربوط نموده اورا مروج آئین مغ خوانده است .

هرچند تاریخی که بعدها در سنت از برای پیغمبر قائل شده اند تقریباً بهمان عهد گشتاسب پدر داریوش بزرگ میافتد اما کی گشتاسب دوست وحامی زرتشت که از پادشاهان کیانی است در سنت با داریوش هخامنشی مربوط نیست. امیانوس در خبر خود این گشتاسب را پادشاه خوانده در صورتی که گشتاسب‌پدر داریوش پادشاه نبود، بلکه از طرف خود شهربان یا مرزبان ۲ ایالات پارت و و گرگان بوده و از او مکرراً در کتیبه های پادشاهان هخامنشی اسم برده شده است. ازآنجمله داریوش از پدرش گشتاسب در کتیبه بهستان (بیستون) چنین‌یاد کرده است : ،، داریوش پادشاه گوید پارتو (Partava - خراسان امروزی) و ورکان (Varkana - گرگان) از من‌سر کشیده به‌فرورتی پیوسته پدرم گشتاسب در مملکت پارت بود مردم از او سرپیچیدند آنگاه گشتاسب با لشکری که در فرمانش مانده بود بیرون رفته در یك شهر پارت نامزد به ویسپ هوزاتی ۳ بجنگ

۱ - Ammianus Marcelinus XXIIII. 6, 32 - 34.

۲ - شهربان که درعهد ساسانیان مرزبان گفته شده‌یعنی حاکم است ازکلمه فرس خشتریون Xsatrapavan که یونانتها ساتراپ گفتند

۳ - ویسپ هوزاتی Vispa huzati لفظاً یعنی همه نیك زادگان

پارتهادر آمد. اهورا مزدا مرا یاری کرد گشتاسب آن لشکر سرکش رایکسره در همشکست، درماه ویخن Viyaxna بود (مطابق ۵ فوریه ۵۲۱ پیش‌ازمسیح) که این جنگ روی داد آنگاه من از ری (رگا Raga) لشکریان پارس رابسوی گشتاسب فرستادم چون لشکر بگشتاسب رسید آنرا برگرفته بجنگ شتافت در یك شهر پارت نامزد به پتیگربن Patigrabana بپیکارسرکشان‌در آمدآن سپاه سرکش را یکسره‌درهم‌شکست‌این‌دراول‌ماه گرم پدا Garmapada (مطابق۳ آوریل ۵۲۰ پیش از مسیح) بود که این‌جنگ شد،، چنانکه ملاحظه میشود دراین کتیبه‌داریوش بپدرش عنوان پادشاهی نداده از او مانند شهربانهای دیگرخود اسم برده است.اردشیر سوم (۳۵۹ — ۳۳۸ پیش از مسیح) در کتیبهٔ‌تخت‌جمشید یك یك اجداد خود را با عنوان پادشاه اسم میبرد ولی از گشتاسب در جزواجداد خود بدون چنین عنوانی نام میبرد. ازاین‌قرار: « میگوید اردشیر، پادشاه بزرگ ، پادشاه پادشاهان (شاهنشاه) پادشاه لشورها ، پادشاه این زمین : من‌پسرپادشاه اردشیر(دوم) ، اردشیر پسرپادشاه داریوش (دوم) ، داریوش پسر پادشاه‌اردشیر (اول) ، اردشیرپسر پادشاه خشیارشا، خشیارشا پسرپادشاه داریوش(اول)،داریوش پسر گشتاسب نامی، گشتاسب پسرارشام نامی هخامنشی » دراینجا یادآور میشویم که پدر گشتاسب ارشام نام داشته اما پدر کی گشتاسب معاصر پیغمبرلهراسب بوده که در اوستا اوروت اسپ Aurvat-aspa نامیده شده است. شکی نیست که گشتاسب پدرداریوش بهیچ‌وجه مربوط بگشتاسب‌معاصر زرتشت‌نیست. نظر باینکه کی گشتاسب‌ازیاران بزرگ دین زردشتی وازمقدسین بشمار است درتمام‌ادوار اشخاصی چنین‌نامزد شده اند و هنوز هم‌مانند پارینه این‌اسم از اسامی معمولی اشخاص است. خبر امیانوس بدون‌اینکه مارا بتاریخ واقعی‌زرتشت رهنمون‌باشد یادآور بلخ میباشد سرزمینی که در آنجا دین زرتشت رواج گرفت .

آگاسیاس Agathias شاعر ومورخ یونانی که درحدود سال ۵۳۶ - ۵۸۲ میلادی میزیسته مانند امیانوس زرتشت‌رامعاصر گشتاسب دانسته ولی نمیداند این گشتاسب بدام است. بعقیدهٔ این نویسنده : « ایرانیان درقدیم با یونانیان همکیش بوده مانند آنان زئوس Zeus و کرنس Kronos وپروردگاران دیگر یونان را میپرستیدند ولی باسامی دیگر ... ایرانیان امروزی یکسره رسوم پیشین خود را فرو گذار هستند و آنها را تغییر دادند پیرو آئین عجیبی که زرتشت پسر هزد (Oromasdes - اهورا مزدا) آورد میباشند. این زوواستر (Zoroaster) که زردس Zarades هم نامیده میشود بطور یقین نمیتوان گفت که در چه زمان میزیسته و کی آئین خود آورد ایرانیان امروزی فقط میگویند که او در عهد گشتاسب بسر میبرده است . ولی دراین بسیار تردید است و این‌تردید را نمیتوان مرتفع‌ساخته دانست که این گشتاسب همان پدر داریوش است یا یك گشتاسب‌دیگر در هر زمانی که او زیسته باشد بهر حال پیغمبر آنان و آورنده آئین مغ است » ۱.

سوئیداس Suidas درانجام اخبار نویسندگان قدیم‌راجع بزمان‌زرتشت مندرجات‌سوئیداس دراین موضوع قابل ذکر است .

۱- Agathias Scholastikos, Hist II, 24.

سوئیداس Suidas نحوی و لغوی یونانی در سال ۹۷۰ میلادی بسر میبرده است فرهنگی از او مانده که اسامی بسیاری از اشخاص نامدار قدیم در آن ضبط شده است هرچند این کتاب از اشتباهات فراوان عاری نیست و نویسندهٔ آن قوهٔ تحقیق و انتقاد نداشته است امایك رشته از مندرجات نویسندگان قدیم در این کتاب محفوظ مانده و ازاین جهت مفید است. سوئیداس آنچه در کتب قدماء خوانده بدون تشخیص و امتیاز در فرهنگ خود نقل کرده است راجع بموضوع ما دراین فرهنگ اخبار برخی از نویسندگان قدیم بدون امتیاز از همدیگر مندرج است در تحت کلمهٔ فیثاغورس این فیلسوف یونانی را شاگرد زرتشت (Zéretos) دانسته شده و در تحت کلمه زرتشت دو زرتشت قائل شده یکی دانای پارس و ماد که در پنج هزار (۵۰۰۰) سال پیش ازجنگ ترویا Troia میزیسته ، دومی اختر شناسی بوده است در عهد نینوس ۱ چنانکه ملاحظه میشود مندرجات سوئیداس همان است که در طی اخبار نویسندگان متقدم راجع بزمان زرتشت ذکر شده است .

فهرست برخی از کتب دانشمندان که اخبارات مورخین قدیم یونان و روم در آنها جمع شده است :

Brisson, Barnabé: De regio Persarum principatu libri tres. ; Paris, 1590.

Hyde, Thomas: Hisioria religionis Veterum Persarum ecrumque Magorum ; Oxford 1700.

Kleuker, J. F.: Anhang zum Zend-Avesta II, Band, 3ter Theil, Riga; 1783.

Windischmann : Zoroastrische Studien herausgegeben von Spiegel; Berlin 1863, S. 260-313.

Darab Dastur P. Sanjana: Zarathushtra in the Gathas; Leipzig 1897, 65-141. ترجمه انگلیسی آن

Rapp, Adolf: Die Religion und Sitte der Perser and übrigen Iranier nach der Griechischen und römischen Quellen, in der Zeitschrift der deutschen morgenländische Geselschaft 1865, S. 1 ff. 1366, 49 ff.

Cama, Kharshedji R.: Religion and Customs of the Persians; Bombay 1876-1879. ترجمه انگلیسی آن

Tiele: Geschichte der Beligion im Altertum, Deutsche Ausgabe von Gehrich II B; Gatha 1903, S. 361 f.

Eränische Alterthumskunde von Spiegel, 1 B; Leipzig 1871, S. 669-683.

Zoroaster, The Prophet of Ancient Iran, by W. Jackson; New-York 1901.

درصفحات ۲۳۱-۲۷۳ همین کتاب متن کلیه مورخین یونان و روم راجع بزرتشت ضبط است .

۱- Suidas, S. V. Zoroastres ; . SV. Pythagoras.

ترجمهٔ این اخبار: The Journal of the K. R. Cama Oriental Institute No. 14 Bombay 1929.
Celemen, Carl: Die Griechischen und Latenischen Nachrichten über die Persische Religion; Giessen 1920.

تاریخ سنتی زمان زرتشت

درسنت زردشتیان زمان پیغمبر ایران درسنوات ۶۶۰-۵۸۳ پیش از مسیح دانسته شده است. این سنت در کتب پهلوی باندك تفاوت ازهمدیگر محفوظ مانده است در اردا ویرافنامه درآغاز فصل اول مندرج است:

« زرتشت پاك دینی که از اهورا مزدا پذیرفت در جهان روا کرد و تا پایان سیصد سال بهمان پاکی بماند و مردم بیگمان بودند. درانجام اهریمن کجستك (ملعون) ناپاك از برای اینکه مردم را بگمان اندازد، اسکندر گجستك رومی را که درمصر بسر میبرد برآن داشت که با ستیزهٔ ئران و نبرد وویرانی بایرانشهر تازد. اوشهریارایران بکشت و پایتخت ویران کرد[1]».

زاد سپرم دستور سیرگان در حدود سال ۲۵۰ یزدگردی مطابق ۲۶۸ هجری در زرتشت نامهٔ خود در فصل ۲۳ فقرهٔ ۱۲ از ظهور دین تا آسیب یافتن آن و برباد وفتن پادشاهی ایران سیصد سال فاصله قرارداده است. شکی نیست که مقصود زاد سپوم از منقرض شدن سلطنت ایران همان استیلای اسکندر مقدونی است اسکندر در سال ۳۳۱ بایران هجوم آورد وداریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی در ماه ژوئیه یا اوت ۳۳۰ پیش از مسیح کشته شد.

از مندرجات بندهش در فصل ۳۴ در فقرات ۷ - ۸ راجع بمدت سلطنت پادشاهان کیانی تا مرگ اسکندر (در سال ۳۲۳) بر میآید که از ظهور زرتشت تا مرگ اسکندر ۲۷۲ سال فاصله باشد بنا بر این زرتشت در سال ۵۹۵ پیش از مسیح مبعوث گردید. بگفته بندهش اسکندر چهارده سال پادشاهی کرد در صورتی که ظهور زرتشت را تا آغاز پادشاهی اسکندر بحساب آوریم میان این دو واقعه فقط ۲۵۲ سال فاصله میباشد اما بحساب بندهش ۲۵۸ سال فاصله است. در کتب مورخین ایرانی و عرب نیز مقارن همین اوقات زمان زرتشت دانسته شده است از آنجمله مسعودی که درحدود سال ۳۴۵ هجری درگذشت در مروج الذهب مینویسد: بزعم مجوسان از زمان زرادشت ابن اسبیمان، پیغمبرشان، تا اسکندر دویست و پنجاه و هشت سال میباشد[2] در جای دیگر ۲۸۰ سال نوشته است باز همین مؤلف در کتاب دیگرش، کتاب التنبیه و الاشراف مینویسد: زرادشت پسر بورشسف در

---

۱ - ازاینکه اسکندر درمصر جای داده شده برای اینست که اسکندر ازمصر وسوریه درسال ۳۳۱ بآشورتاخته بلشکر ایران هجوم آورد رجوع شود به Aufsätze zur Persischen Meschichte von Nöldeke; Leipzig 1887 S. 88.

۲- رجوع شود بمروج الذهب متن وترجمه باهتمام Barier de Neynard جلد IV ص ۱۰۷ وبمروج الذهب طبع مصر ۱۳۴۶ هجری جزء الاول ص ۱۷۶ و ص ۳۹۱.

ابستا کتابی که باو الهام شده خبر داده که پس از سیصد (۳۰۰) سال بمملکت ایران آشوب بزرگی روی خواهد داد ، بدون اینکه دین آن منهدم شود اما در انجام سال هزارم مملکت و دین هردو ویران شوند بنابراین میان زرتشت واسکندر سیصد (۳۰۰) سال‌فاصله‌است. زیرا که زرتشت درزمان کی‌بشتاسب پسر کی‌لهراسب ظهور نمود ۱ ابو ریحان بیرونی که در ۳ ذیحجه ۳۶۲ در خوارزم تولد یافت‌ودر ۲ رجب ۴۴۰ دزغزنه وفات یافت مینویسد بزعم مجوسان ظهور زرادشت،پیغمبرشان، تا اول تاریخ اسکندر دویست و پنجاه و هشت (۲۵۸) سال است ۲

غالباً در سنت زرتشتیان از زمان رسالت زرتشت تا استیلای اسکندر سیصد سال قرار داده شده است چنانك در رسالهٔ علمای اسلام ۳ و دو منظومه‌ای موسوم بقصهٔ سلطان محمود غزنوی که انوشیروان پسر مرزبان کرمانی در سال ۱۶۲۰ سرائیده است ٤ در سنت زرتشت معاصر کی گشتاسب پسر کی لهراسب بوده که در مشرق ایران زمین در بلخ سلطنت داشت پیغمبر ایران چهار بار در گاتها ٦ درسرود های‌مقدس خود از این شهریار که دوست وحامی دین وی بوده نام میبرد ٥ بطوری که ابداً شکی نمیماند که دو عهد زرتشت ایرانیان در ایران زمین شرقی سلطنت داشتند بنا بسنت که در کتب پهلوی و کتب مورخین ایرانی و عرب محفوظ مانده سال سی ام پادشاهی کی گشتاسب بود که زرتشت دین خود بدو نمود برخی از مستشرقین میخواهند که این کی گشتاسب‌رابدرداریوش بزرگ‌هخامنشی که‌ذکرش در جزو اخبار امیانوس Ammianus گذشت یکی‌بدانند ٦ تقریبا در هزار وچهار صد سال پیش از این‌آگاسیاس Agathias که ذکرش گذشت تردید داشته از اینکه این گشتاسب همان پدر داریوش‌است یا گشتاسب دیگر. امروزه شکی در این نداریم که زمان این دو گشتاسب چندین سال از همدیگر فاصله داشته است چنانکه دیدیم مغان که پیران آئین زرتشت بوده پیش از عهد داریوش بزرگ پسر گشتاسب وجود داشته اند و دیگر اینکه چگونه ممکن است فیلسوف های یونانی‌قرن‌چهارم پیش‌ازمیلادمانند ارسطا طالیس Aristoteles واد کسوس Eudoxus وهرمدروس Hermodorus زمان زردشت‌را شش هزارسال پیش‌ازمرگ افلاطون یاپنج‌هزارسال پیش از جنگ ترویا Teroia بنویسنددرصورتی که میان آنان و گشتاسب پدرداریوش بزرگ (۵۲۱-۴۸۵

۱- کتاب التنبیه والاشراف چاپ De Goeje لیدن ۱۸۹٤ ص۹۰

۲ - رجوع شود به آثارالباقیه ص ۱٤

۳ - علمای اسلام چاپ Mohl ص ٦ رجوع شود به خرده اوستا ص۹٤- ۹۵

٤- رجوع‌شود به Notice de Littérature Parsie par Fréderic Rosenberg St. Pétersbourg 1909 p. 29.

٥ - رجوع شود بگاتها : یسنا ۲۸ قطعهٔ ۷ و یسنا ٤٦ قطعهٔ ۱٤ و یسنا ۵۱ قطعهٔ ۱٦ ویسنا ۵۳ قطعهٔ ۲ بجلد دوم یشتها ص ۲٦۹ نیز ملاحظه شود.

٦ - رجوع شود بجلد دوم یشتها ص ۲۱۳و۲۱٤

پیش از مسیح) اندکی بیش از یك قرن فاصله است ۱ هرودت که در عهد اردشیر اول (۴۶۵ - ۴۲۴ پیش از مسیح) در ایران سفر کرده از زرتشت بهیچوجه اسم نبرده در صورتی که از پادشاهان سلسلهٔ هخامنشی تا بعهد خود مفصلا صحبت‌میدارد اگر ظهور زرتشت‌در عهدداریوش یا پدرش گشتاسب بوده قهراً درمندرجات‌هرودت لااقل‌اشارهٔازاین‌واقعه میشده‌است. این سکوت‌را نیز منفیا میتوان دلیل دانست که در عهد هرودت دین زرتشت آئین کهن ایران بوده و در حدود نیم قرن پیش از او بوجود نیامده بوده‌است. در میان دانشمندان و مستشرقین معروف ازآنجمله جکسن Jackson ۲ و وست West ۳ که طرفدار تاریخ‌سنی‌هستندارتباطی میان کی شتاسب پادشاه بلخ‌و گشتاسب پدرداریوش بزرگ‌هخامنشی قائل‌نشده‌اند. بزعم‌بیشتردانشمندان موثق امروزه دین ایران بیش از سلطنت ماد که در مغرب ایران‌درحدود سال‌هفتصدو سیزده (۷۱۳) پیش ازمیلاد تشکیل یافته بوجودآمده است ۴ . تاریخ سنتی بکلی بی اعتبار و بر خلاف اسناد لغوی و تاریخی است چون در موارد دیگر مکرراً ازاین‌مسئله بحث شده در اینجا فقط یادآور میشویم که زبان گاتها سرود های مقدس پیغمبرایران زرتشت قدیم تر از قرن هفتم پیش از مسیح است و در خطوط میخی که ازپاشاه‌آشور سارگون Sargon ازقرن هشتم پیش از مسیح مانده و اسامی چند تن از سران قبایل ایرانی که با وی درزد وخوردبوده‌اند درآنها یاد گردیده دلیل زرتشتی بودن‌آنان‌است

در میان اخبار مورخین قدیم یونان و روم خبر خسانتوس Xanthus راجع زرتشت قابل اعتماداست ومیتوان ظهور پیغمبر ایران‌را درحدود هزاروهشتاد(۱۰۸۰) سال پیش ازمسیح دانست.

پورداود

۱- رجوع شودبه Der Usprung der Magier und die Zarathu-- -strische Religion von Messina S. 64-66.

۲- On the date of Zoroaster, by William Jackson Jaournal of Americcan Oriental Sceiety, Vol. XVII. 1896, 1- 22; Zoroaster, Prophet of Ancient Iran, New York 1901.

۳- Sacred Books of the East vol. XLVII, Introduction.

۴ - رجوع شود بجلد دوم یشتها ص۲۸۳-۲۸۴.

کار برای زندگیست

اگر انسان تمام حواس و قوای خود را منحصراً بکار متوجه سازد دیگر نمیتواند از تفریح لذت ببرد و هنگامیکه‌آسایش لزوم قطعی پیدا کند زندگانی ناگوار میشود ، چه یگانه دلبستگی شخص که‌کار او بوده است از وی سلب گردیده است ـ منظور اززندگانی آموختن علم یاکار کردن نیست بلکه منظور از علم وکار زندگانی است.

هربرت سپنسر